

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۲۱۷

آیه ۱۵۳ - ۱۵۴

آیه و ترجمه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۱۵۳
وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ۱۵۴
ترجمه :

۱۵۳- ای افراد با ایمان از صبر (و استقامت) و نماز (در برابر حوادث سخت زندگی) کمک بگیرید (زیرا) خداوند با صابران است
۱۵۴- و به آنها که در راه خدا کشته می شوند مرده مگوئید، بلکه آنها زندگانند ولی شما نمی فهمید.

شان نزول

بعضی از مفسران از ابن عباس در شان نزول دومین آیه مورد بحث چنین نقل کرده اند که این آیه درباره کشته شدگان میدان جنگ بدر نازل گردید، آنها چهارده تن بودند، شش نفر از مهاجران، و هشت نفر از انصار، بعد از پایان جنگ عده ای تعبیر می کردند فلانکس مرد، آیه فوق نازل شد و با صراحت آنها را از اطلاق کلمه «میت» بر شهیدان نهی کرد.

تفسیر :

شهیدان زنده اند...

از آنجا که در آیات گذشته سخن از تعلیم و تربیت و ذکر و شکر بود و با توجه به معنی بسیار وسیعی که این مفاهیم دارند، غالب دستورات دینی را در بر می گیرند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۸

در نخستین آیه مورد بحث سخن از صبر و پایداری به میان می آورد، که بدون آن، مفاهیم گذشته هرگز تحقق نخواهد یافت.
نخست می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید از صبر و نماز کمک بگیرید» (یا ایها الذین آمنوا استعينوا بالصبر و الصلوة).
و با این دو نیرو (استقامت و توجه به خدا) به جنگ مشکلات و حوادث سخت

بروید که پیروزی از آن شما است «زیرا خداوند با صابران است» (ان الله مع الصابرين).

به عکس آنچه بعضی تصور می کنند، «صبر» هرگز به معنی تحمل بدبختیها و تن دادن ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست، بلکه صبر و شکیبائی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه است. لذا بسیاری از علمای اخلاق برای «صبر» سه شاخه ذکر کرده اند: صبر بر اطاعت (مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد). صبر بر معصیت (ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر).

و صبر بر مصیبت (پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خود باختگی و شکست روحی و ترک جزع و فزع).

کمتر موضوعی را در قرآن می توان یافت که مانند «صبر» تکرار و مورد تائید قرار گرفته باشد در قرآن مجید در حدود هفتاد مورد از صبر، سخن به میان آمده که بیش از ده مورد از آن به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اختصاص دارد.

تاریخ مردان بزرگ گواهی می دهد که یکی از عوامل مهم یا مهمترین عامل پیروزی آنان استقامت و شکیبائی بوده است افرادی که از این صفت بی بهره اند در گرفتاریها بسیار زود از پا در می آیند و می توان گفت نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه ها ایفا می کند، نه فراهم بودن امکانات دارد و نه استعداد و هوش و مانند آن.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۹

به همین دلیل در قرآن مجید روی این موضوع با مؤکدترین بیان تکیه شده است، آنجا که می گوید: انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب: «صابران پاداش خود را بی حساب می گیرند» (زمر- ۱۰).

و در مورد دیگر بعد از ذکر «صبر در برابر حوادث» می خوانیم: ان ذلک من عزم الامور: «این کار از محکمترین کارها است» (لقمان - ۱۷).

اصولا ویژگی استقامت و پایداری، این است که فضائل دیگر بدون آن ارج و بهائی نخواهد داشت که پشتوانه همه آنها صبر است و لذا در «نهج البلاغه»

در «کلمات قصار» می خوانیم: و علیکم بالصبر، فان الصبر من الایمان کالراس من الجسد، و لا خیر فی جسد لا راس معه، و لا فی ایمان لا صبر معه:

«بر شما باد به صبر و استقامت که صبر در برابر ایمان همچون سر است در مقابل تن، تن بی سر فایده‌ای ندارد، همچنین ایمان بدون صبر ناپایدار و بی نتیجه است».

در روایات اسلامی عالیت‌ترین صبر را آن دانسته‌اند که به هنگام فراهم آمدن وسائل عصیان و گناه انسان مقاومت کند و از لذت گناه چشم‌پوشد. در آیه مورد بحث مخصوصاً به مسلمانان انقلابی نخستین که دشمنان نیرومند و خونخوار و بی‌رحم از هر سو آنها را احاطه کرده بودند، دستور داده شده است که در برابر حوادث مختلف از قدرت صبر و پایداری کمک بگیرند، که نتیجه آن استقلال شخصیت و اتکاء به خویشتن و خودیاری در پناه ایمان به خدا است و تاریخ اسلام این حقیقت را به خوبی نشان می‌دهد که همین اصل اساسی پایه اصلی همه پیروزیها بود. موضوع دیگری که در آیه بالا به عنوان یک تکیه گاه مهم در کنار صبر،

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۲۰

معرفی شده «صلوة» (نماز) است، لذا در احادیث اسلامی می‌خوانیم: کان علی (علیه السلام) اذا اهاله امر فزع قام الى الصلوة ثم تلى هذه الاية و استعينوا بالصبر و الصلوة...: «هنگامی که علی (علیه السلام) با مشکلی روبرو می‌شد به نماز برمی‌خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می‌رفت و این آیه را تلاوت می‌فرمود: «و استعينوا بالصبر و الصلوة...» از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد، زیرا هنگامی که انسان در برابر حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا قرار می‌گیرد، و نیروی خود را برای مقابله با آنها ناچیز می‌بیند، نیاز به تکیه گاهی دارد که از هر جهت نامحدود و بی انتها باشد، نماز او را با چنین مبدئی مربوط می‌سازد، و با اتکاء بر او می‌تواند با روحی مطمئن و آرام امواج سهمگین مشکلات را درهم بشکند. بنابراین آیه فوق در حقیقت به دو اصل توصیه می‌کند یکی اتکای به خداوند که نماز مظهر آن است و دیگری مساءله خودیاری و اتکای به نفس که به عنوان صبر از آن یاد شده است.

و به دنبال مساءله صبر و استقامت در آیه بعد، سخن از حیات جاویدان شهیدان می‌گوید که پیوند نزدیکی با استقامت و صبرشان دارد.

نخست می‌گوید: «هرگز به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند و شربت شهادت می‌نوشند مرده مگوئید» (و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات).

سپس برای تاءکید بیشتر اضافه می کند: «بلکه آنها زندگانند، اما شما درک نمی کنید!» (بل احیاء و لکن تشعرون).
اصولا در هر نهضتی گروهی راحتی طلب و ترسو خود را کنار می کشند و علاوه بر اینکه خودشان کاری انجام نمی دهند سعی در دلسرد کردن دیگران دارند

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۲۱

همین که حادثه ناگواری رخ می دهد، اظهار تاسف می کنند و آن را دلیل بر بی نتیجه بودن آن قیام می پندارند، غافل از اینکه هیچ هدف مقدس و گرانبهائی بدون دادن قربانی یا قربانیها بدست نیامده و این یکی از سنن این جهان است.
قرآن کریم کرارا از این دسته سخن به میان آورده و آنها را سخت سرزنش می کند.
گروهی از این قماش مردم در آغاز اسلام بودند که هر گاه کسی از مسلمانان در میدان جهاد به افتخار شهادت نائل می آمد می گفتند فلانی مرد! و با اظهار تاسف از مردنش، دیگران را مضطرب می ساختند.
خداوند در پاسخ این گفته های مسموم پرده از روی یک حقیقت بزرگ بر می دارد و با صراحت می گوید: شما حق ندارید کسانی را که در راه خدا جان می دهند مرده بخوانید آنها زنده اند زنده جاویدان، و از روزیهای معنوی در پیشگاه خدا بهره می گیرند، با یکدیگر سخن می گویند، و از سرنوشت پربارشان کاملاً خشنودند، اما شما که در چهار دیواری محدود عالم ماده محبوس و زندانی هستید این حقایق را نمی توانید درک کنید.

نکته ها

نکته : ۱- چگونگی حیات جاودانی شهیدان

در اینکه حیات و زندگی شهیدان چگونه است؟ در میان مفسران گفتگو است، بدون شک ظاهر آیه این است که آنها دارای یکنوع حیات برزخی و روحانی هستند چرا که جسمشان از هم متلاشی شده و به گفته امام صادق (علیه السلام) آن حیات با بدنی است مثالی (بدن مجرد از ماده معمولی و همگون این بدن) که تفسیر آن در سوره مؤمنون آیه ۱۰۰ و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون خواهد آمد.

بعضی از مفسران این زندگی را به عنوان یک حیات غیبی و مخصوص به شهداء دانسته‌اند و گفته‌اند ما توضیح بیشتری درباره چگونگی این زندگی و طرز استفاده از آن را در اختیار نداریم. بعضی دیگر حیات را در اینجا به معنی هدایت، و مرگ را به معنی گمراهی دانسته‌اند، و گفته‌اند معنی آیه این است که هر کس کشته شد نگوئید گمراه است، بلکه او هدایت شده است بعضی دیگر حیات جاوید شهیدان را زنده ماندن نام آنها و مکتب آنها می‌دانند.

ولی با توجه به آنچه در تفسیر اول گفتیم روشن می‌شود که هیچیک از این احتمالات قابل قبول نیست، نه لزومی دارد که آیه را به معانی مجازی تفسیر کنیم و نه مسأله حیات برزخی را مخصوص شهیدان بدانیم، بلکه شهیدان دارای حیات روحانی و برزخی هستند با این امتیاز که در قرب رحمت پروردگارند و متنعم به انواع نعمتهای او می‌باشند.

نکته : ۲- مکتبی که به شهادت افتخار می‌کند

اسلام با ترسیمی که از مسأله شهادت در آیه فوق و آیات دیگر قرآن کرده است عامل بسیار مهم تازهای را در مبارزه حق در برابر باطل وارد میدان ساخته است، عاملی که کاربرد آن از هر سلاحی بیشتر، و تاثیر آن از همه برتر است، عاملی که می‌تواند خطرناکترین و وحشتناکترین سلاحهای عصر و زمان ما را در هم بشکند، چنانکه در تاریخ انقلاب اسلامی کشور ما ایران با کمال وضوح این حقیقت را با چشم دیدیم که عشق به شهادت علی رغم تمام کمبودهای ظاهری عامل پیروزی سربازان اسلام در برابر قدرتهای بزرگ شد. و اگر در تاریخ اسلام و حماسه‌های جاویدان جهادهای اسلامی و شرح ایثارگریهای کسانی را که با تمام وجودشان در راه پیشبرد این آئین پاک جانفشانی

کردند دقت کنیم می‌بینیم یک دلیل مهم همه آن پیروزیها همین بود که اسلام در تعلیمات خود این درس بزرگ را به آنها آموخته بود که شهادت در راه خدا و در طریق حق و عدالت به معنی فناء و نابودی و مرگ نیست، بلکه سعادت است و زندگی جاویدان و افتخار ابدی.

سربازانی که چنین درسی را در این مکتب بزرگ آموخته‌اند هرگز قابل مقایسه با سربازان عادی نیستند، سرباز عادی به حفظ جان خود می‌اندیشد، اما آنها برای حفظ مکتب پیکار می‌کنند و پروانه‌وار می‌سوزند و قربانی می‌شوند و افتخار می‌کنند.

نکته : ۳- زندگی برزخی و بقای روح

ضمناً از این آیه موضوع بقای روح و زندگی برزخی انسانها (زندگی پس از مرگ و قبل از رستاخیز) به روشنی اثبات می‌شود و پاسخ صریحی است به کسانی که می‌گویند قرآن به‌مسأله بقای روح و زندگی برزخی اشاره‌ای نکرده است.

شرح بیشتر درباره این موضوع و همچنین مسأله حیات جاویدان شهیدان و پاداش مهم و مقام والای کشتگان راه خدا را در جلد سوم تفسیر نمونه صفحه ۱۶۸ (ذیل آیه ۱۶۹ سوره آل عمران مطالعه فرمائید.

آیه ۱۵۵ - ۱۵۷

آیه و ترجمه

و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاءمول و الاءنفس و الثمرت و بشر الصبرین ۱۵۵

الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون ۱۵۶
اولئک علیهم صلوت من ربهم و رحمة و اولئک هم المہتدون ۱۵۷
ترجمه :

۱۵۵- قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی، و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان!
۱۵۶- آنها که هر گاه مصیبتی به آنها رسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم!

۱۵۷- اینها همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هستند هدایت یافتگان .

تفسیر :

جهان صحنه آزمایش الهی است

بعد از ذکر مسأله شهادت در راه خدا، و زندگی جاوید شهیدان، و همچنین مسأله صبر و شکر که هر کدام یکی از چهره‌های آزمایشهای الهی است، در این آیه به مسأله آزمایش به‌طور کلی و چهره‌های گوناگون آن اشاره می‌کند

و به عنوان یک امر قطعی و تخلف ناپذیر می‌فرماید: به طور مسلم ما همه شما را با اموری همچون ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم (ولنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات).

و از آنجا که پیروزی در این امتحانات جز در سایه مقاومت و پایداری ممکن نیست در پایان آیه می‌فرماید: و بشارت ده صابران و پایداران را (و بشر الصابرين).

آنها هستند که از عهده این آزمایشهای سخت به خوبی بر می‌آیند و بشارت پیروزی متعلق به آنها است، اما سست عهدان بی استقامت از بوته این آزمایشها سیه‌روی در می‌آیند.

آیه بعد صابران را معرفی کرده می‌گوید: آنها کسانی هستند که هر گاه مصیبتی به آنها رسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم (الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون). توجه به این واقعیت که همه از او هستیم این درس را به ما می‌دهد که از زوال نعمتها هرگز ناراحت نشویم، چرا که همه این مواهب بلکه خود ما تعلق به او داریم، یگروز می‌بخشد و روز دیگر مصلحت می‌بیند و از ما باز می‌گیرد و هر دو صلاح ما است.

و توجه به این واقعیت که ما همه به سوی او باز می‌گردیم به ما اعلام می‌کند که اینجا سرای جاویدان نیست زوال نعمتها و کمبود مواهب و یا کثرت وفور آنها همه زودگذر است، و همه اینها وسیله‌ای است برای پیمودن مراحل تکامل توجه به این دو اصل اساسی اثر عمیقی در ایجاد روح استقامت و صبر دارد. بدیهی است منظور از گفتن جمله انا لله و انا اليه راجعون تنها ذکر

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۲۶

زبانی آن نیست، بلکه توجه به حقیقت و روح آن است که یکدنیا توحید و ایمان در عمق آن نهفته است.

و در آخرین آیه مورد بحث الطاف بزرگ الهی را برای صابران و سخت کوشان که از عهده این امتحانات بزرگ بر آمده‌اند بازگو می‌کند و می‌گوید: اینها کسانی هستند که لطف و رحمت خدا و درود الهی بر آنها است (اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة

این الطاف و رحمتها آنها را نیرو می‌بخشد که در این راه پر خوف و خطر

گرفتار اشتباه و انحراف نشوند، لذا در پایان آیه می‌فرماید: و آنها هستند هدایت یافتگان (و اولئک هم المہتدون).
و به این ترتیب فشرده‌ای از مسأله بزرگ امتحان و هدف نهائی و چهره‌های مختلف، و عوامل پیروزی و همچنین نتایج آن را در این چند جمله کوتاه روشن می‌سازد.

نکته‌ها

نکته : ۱- چرا خدا مردم را آزمایش می‌کند؟

در زمینه مسأله آزمایش الهی بحث فراوان است، نخستین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که مگر آزمایش برای این نیست که اشخاص یا چیزهای مبهم و ناشناخته را بشناسیم و از میزان جهل و نادانی خود بکاهیم؟ اگر چنین است

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۲۷

خداوندی که علمش به همه چیز احاطه دارد و از اسرار درون و برون همه کس و همه چیز آگاه است، غیب آسمان و زمین را با علم بی‌پایانش می‌داند، چرا امتحان می‌کند؟ مگر چیزی بر او مخفی است که با امتحان آشکار شود؟! پاسخ این سؤال مهم را در اینجا باید جستجو کرد که مفهوم آزمایش و امتحان در مورد خداوند با آزمایشهای ما بسیار متفاوت است.

آزمایشهای ما همانست که در بالا گفته شد یعنی برای شناخت بیشتر و رفع ابهام و جهل است، اما آزمایش الهی در واقع همان پرورش و تربیت است. توضیح اینکه در قرآن متجاوز از بیست مورد امتحان به خدا نسبت داده شده است، این یک قانون کلی و سنت دائمی پروردگار است که برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته (و ازقوه به فعل رساندن آنها) و در نتیجه پرورش دادن بندگان آنان را می‌آزماید، یعنی همانگونه که فولاد را برای استحکام بیشتر در کوره می‌گدازند تا به اصطلاح آبدیده شود، آدمی رانیز در کوره حوادث سخت پرورش می‌دهد تا مقاوم گردد.

در واقع امتحان خدا به کار باغبانی پر تجربه شبیه است که دانه‌های مستعد را در سرزمینهای آماده می‌پاشد، این دانه‌ها با استفاده از مواهب طبیعی شروع به نمو و رشد می‌کنند، تدریجاً با مشکلات می‌جنگند و با حوادث پیکار می‌نمایند در برابر طوفانهای سخت و سرمای کشنده و گرمای سوزان ایستادگی به خرج می‌دهند تا شاخه گلی زیبا یا درختی تنومند و پر ثمر بار آید که بتواند به زندگی و حیات خود در برابر حوادث سخت ادامه دهد.

سربازان را برای اینکه از نظر جنگی نیرومند و قوی شوند به مانورها و جنگهای مصنوعی می‌برند و در برابر انواع مشکلات تشنگی، گرسنگی، گرما و سرما، حوادث دشوار، موانع سخت، قرار می‌دهند تا ورزیده و آبدیده شوند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۲۸

و این است رمز آزمایشهای الهی.

قرآن مجید به این حقیقت در جای دیگر تصریح کرده می‌گوید و لیبتلّی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم و الله علیم بذات الصدور: او آنچه را شما در سینه دارید می‌آزماید تا دل‌های شما کاملاً خالص گردد و او به همه اسرار درون شما آگاه است (آل عمران- ۱۵۴).

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) تعریف بسیار پر معنی در زمینه فلسفه امتحانات الهی دارد می‌فرماید: و ان کان سبحانه اعلم بهم من انفسهم و لکن لتظهر الافعال التی بها يستحق الثواب و العقاب: گرچه خداوند به روحیات بندگان از خودشان آگاهتر است ولی آنها را امتحان می‌کند تا کارهای خوب و بد که معیار پاداش و کیفر است از آنها ظاهر گردد.

یعنی صفات درونی انسان به تنهایی نمی‌تواند معیاری برای ثواب و عقاب گردد مگر آن زمانی که در لابلای اعمال انسان خودنمایی کند، خداوند بندگان را می‌آزماید تا آنچه در درون دارند در عمل آشکار کنند، استعدادها را از قوه به فعل برسانند و مستحق پاداش و کیفر او گردند.

اگر آزمایش الهی نبود این استعدادها شکوفا نمی‌شد و درخت وجود انسان میوه‌های اعمال بر شاخسارش نمایان نمی‌گشت و این است فلسفه آزمایش الهی در منطق اسلام.

نکته : ۲- آزمایش خدا همگانی است

از آنجا که نظام حیات در جهان هستی نظام تکامل و پرورش است و تمامی موجودات زنده مسیر تکامل را می‌پیمایند، حتی درختان استعدادهای نهفته خود را با میوه بروز می‌دهند همه مردم از انبیاء گرفته تا دیگران طبق این قانون عمومی

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۲۹

می‌بایست آزمایش شوند و استعدادات خود را شکوفا سازند.

گرچه امتحانات الهی متفاوت است، بعضی مشکل، بعضی آسان و قهراً نتایج

آنها نیز با هم فرق دارد، اما به هر حال آزمایش برای همه هست، قرآن مجید به امتحان عمومی انسانها اشاره کرده می‌فرماید: احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون: آیا مردم گمان می‌کنند بدون امتحان رها می‌شوند، نه هرگز بلکه همگی باید امتحان دهند (عنکبوت آیه ۱) قرآن نمونه‌هایی از امتحانات پیامبران را نیز بازگو کرده است آنجا که می‌فرماید: و اذ ابتلی ابراهیم ربه: خداوند ابراهیم را امتحان کرد (بقره ۱۲۴).

در جای دیگر آمده است: فلما رآه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربی لیبلونی الاشکر ام اکفر: هنگامی که یکی از پیروان سلیمان تخت بلقیس را در کمتر از یک چشم به هم زدن از راه دور برای او حاضر کرد، سلیمان گفت این لطف خدا است برای اینکه مرا امتحان کند آیا شکرگزاری می‌کنم یا کفران؟ (نمل- ۴۰).

نکته: ۳- طرق آزمایش

در آیه فوق نمونه‌هایی از اموری که انسان با آنها امتحان می‌شود بیان شده، از قبیل: ترس، گرسنگی، زیانهای مالی، و مرگ ... ولی وسائل آزمایش خداوند منحصر به اینها نیست بلکه امور دیگری نیز در قرآن به عنوان وسیله امتحان آمده است، مانند فرزندان، پیامبران، و دستورات خداوند، حتی بعضی از خوابها ممکن است از وسائل آزمایش باشد شرور و خیرها نیز از آزمایشهای الهی محسوب می‌شوند (و نبلوکم بالشر و الخیر) (انبیاء- ۳۵).

بنا بر این مواردی که در آیه شمرده شده جنبه انحصاری ندارد، هر چند از

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۳۰

نمونه‌های روشن و زنده آزمایشهای الهی است. و می‌دانیم که مردم در برابر آزمایشهای خداوند به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی از عهده امتحانات بر آمده و گروهی مردود می‌شوند. مثلاً مسأله ترس که پیش می‌آید گروهی خود را می‌بازند و به خاطر اینکه کوچکترین ضرری به آنها نرسد شانه از زیر بار مسئولیت خالی می‌کنند در جنگها فرار می‌کنند، یا راه سازشکاری پیش می‌گیرند، و با عذر تراشیهائی همچون نخشی ان تصیبنا دائرة: ما می‌ترسیم ضرری به ما متوجه شود از تکلیف الهی سرباز می‌زنند (سوره مائده آیه ۵)

اما گروهی دیگر در برابر عوامل ترس با ایمان و توکل بیشتری خود را برای هر گونه فداکاری مهیا می‌کنند چنانکه در قرآن آمده است: الذین قال لهم الناس

ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل وقتی که به مردم با ايمان می گفتند اوضاع خطرناک است، و دشمنان شما مجهزند، شما عقب نشینی کنید بر ايمان و توکل آنها افزوده می شد! (آل عمران- ۱۷۳).

در برابر سائر مشکلات و عوامل امتحان که در آیه آمده است همچون گرسنگی و زیانهای مالی و جانی نیز همه مردم یکسان نیستند نمونه هائی از این امتحانات در متن قرآن آمده است و در آیات مناسب به آن اشاره خواهیم کرد.

نکته : ۴- رمز پیروزی در امتحان

در اینجا سؤال دیگری پیش می آید و آن اینکه: حال که همه انسانها در یک امتحان گسترده الهی شرکت دارند، راه موفقیت در این آزمایشها چیست؟ پاسخ این سؤال را قسمت آخر آیه مورد بحث و آیات دیگر قرآن می دهد:

۱- نخستین و مهمترین گام برای پیروزی همان است که در جمله کوتاه

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۳۱

و پر معنی و بشر الصابرين در آیه فوق آمده است، این جمله با صراحت می گوید: رمز پیروزی در این راه، صبر و پایداری است و به همین دلیل بشارت پیروزی را تنها به صابران و افراد با استقامت می دهد.

۲- توجه به گذرا بودن حوادث این جهان و سختیها و مشکلاتش و اینکه این جهان گذرگاهی بیش نیست عامل دیگری برای پیروزی محسوب که در جمله انا لله و انا الیه راجعون (ما از آن خدا هستیم و به سوی خدا باز می گردیم) آمده است.

اصولا این جمله که از آن به عنوان کلمه استرجاع یاد می شود، عصارهای است از عالیتین درسهای توحید و انقطاع الی الله و تکیه بر ذات پاک او در همه چیز و در هر زمان، و اگر می بینیم بزرگان اسلام به هنگام بروز مصائب سخت این جمله را با الهام گرفتن از قرآن مجید تکرار می کردند برای این بوده است که شدت مصیبت آنها را تکان ندهد و در پرتو ايمان به مالکیت خداوند و بازگشت همه موجودات به سوی او، این حوادث را در خود هضم کنند.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در تفسیر این جمله می فرماید: ان قولنا انا لله اقرار علی انفسنا بالملك و قولنا و انا الیه راجعون اقرار علی انفسنا بالهلك: اینک ما می گوئیم انا لله اعتراف به این حقیقت است که ما مملوک اوئیم و

اینکه می‌گوئیم و انا الیه راجعون اقرار به این است که ما از این جهان خواهیم رفت و جایگاه ما جای دگر است.

۳- استمداد از نیروی ایمان و الطاف الهی عامل مهم دیگری است، کسانی هستند که هر وقت دستخوش حوادث می‌گردند، اعتدال خود را از دست داده گرفتار اضطراب می‌شوند، اما دوستان خدا چون برنامه و هدف روشنی دارند بدون حیرت و سرگردانی، مطمئن و آرام به راه خود ادامه می‌دهند، خدا نیز

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۳۲

روشن بینی بیشتری به آنها می‌دهد که در انتخاب راه صحیح دچار اشتباه نشوند، چنانکه قرآن می‌گوید: و الذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا کسانی که در راه ما به جهاد برخیزند ما آنها را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم (عنکبوت- ۶۹).

۴- توجه به تاریخ پیشینیان و بررسی موضع آنان در برابر آزمایشهای الهی برای آماده ساختن روح انسان نسبت به امتحانات پروردگار بسیار مؤثر است. اصولاً اگر انسان در مسائلی که برای او پیش می‌آید احساس تنهایی کند از نیروی مقاومتش کاسته خواهد شد، اما توجه به این حقیقت که این مشکلات طاقتفرسا و آزمایشهای سخت الهی برای همه اقوام و ملت‌ها در طول تاریخ وجود داشته سبب افزایش نیروی پایداری انسان می‌گردد به همین دلیل قرآن مجید کراراً برای دل‌داری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تقویت روحیه او و مؤمنان اشاره به تاریخ گذشتگان و حوادث دردناک زندگی آنها می‌کند مثلاً می‌گوید: و لقد استهزء برسل من قبلک: اگر تو را استهزاء کنند نگران مباش، پیامبران پیشین نیز گرفتار استهزای جاهلان بودند اما با نیروی استقامت بر آنها پیروز شدند (انعام- ۱۰).

در جای دیگر می‌فرماید: و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا علی ما کذبوا و اودوا حتی اتاهم نصرنا: اگر تو را تکذیب کنند تعجب نیست، پیامبران پیشین را نیز تکذیب کردند آنها در برابر تکذیب مخالفان پایداری و شکیبائی به خرج دادند، و آزار شدند تا سرانجام نصرت و یاری ما به سراغشان آمد (انعام- ۳۴).

۵- توجه به این حقیقت که همه این حوادث در پیشگاه خداوند رخ می‌دهد و او از همه چیز آگاه است عامل دیگری برای پایداری است.

کسانی که در یک مسابقه مشکل و طاقت فرسا شرکت دارند همین که احساس می‌کنند جمعی از دوستانشان در اطراف میدان مسابقه آنها را می‌بینند

تحمل مشکلات برای آنها آسان می‌شود و با شوق و عشق بیشتری به نبرد با حوادث بر می‌خیزند.

جائی که وجود چند نفر تماشاچی چنین اثری در روح انسان بگذارد توجه به این حقیقت که خداوند مجاهدتهای ما را در صحنه‌های آزمایش می‌بیند، چه عشق و شوری به ادامه این جهاد در ما ایجاد خواهد کرد.

قرآن می‌گوید: به هنگامی که نوح (علیه السلام) تحت شدیدترین فشارها از سوی قومش مأمور به ساختن کشتی شد خداوند به او دستور داد و اصنع الفلک باعیننا: در برابر ما اقدام به ساختن کشتی کن (هود- ۳۷).

جمله باعیننا (در برابر دیدگان علم ماچنان قوت قلبی به نوح (علیه السلام) بخشید که فشار و استهزای دشمنان، کمترین خللی در اراده نیرومند او ایجاد نکرد.

از سالار شهیدان و مجاهدان راه خدا امام حسین (علیه السلام) همین معنی نقل شده که در صحنه کربلا به هنگامی که بعضی از عزیزانش با فجیعترین وجهی شربت شهادت نوشیدند فرمود: هون علی ما نزل بی انه بعین الله: همین که میدانم این امور در برابر دیدگان علم پروردگار انجام می‌گیرد تحمل آن بر من آسان است.

نکته : ۵- آزمایش به وسیله نعمت و بلا

امتحانات الهی همیشه به وسیله حوادث سخت و ناگوار نیست، بلکه گاه خدا بندگانش را با وفور نعمت و کامیابیها آزمایش می‌کند، چنانکه قرآن می‌گوید و نبلوکم بالشر و الخیر فتنه: ما شما را به وسیله بدیها و خوبیها امتحان می‌کنیم (انبیاء- ۳۵).

و در جای دیگر از قول سلیمان (علیه السلام) می‌خوانیم: هذا من فضل ربی لیبسلونی اءاشکرام اکفر: این از فضل پروردگار من است او می‌خواهد مرا آزمایش کند که من در برابر این نعمت شکرگزاری یا کفران می‌کنم؟ (سوره نمل آیه ۴۰)

توجه به چند نکته دیگر نیز در اینجا ضروری است یکی اینکه لازم نیست همه مردم با همه وسائل آزمایش شوند، بلکه ممکن است امتحان هر گروهی به

چیزی باشد، چرا که تناسب با روحیه‌ها و وضع فردی و اجتماعی مردم در اینجا شرط است.

دیگر اینکه ممکن است یک انسان از عهده پاره‌ای از امتحانات به خوبی بر آید در حالی که در برابر امتحانات دیگر سخت رفته شود.

و نیز ممکن است امتحان فردی، وسیله امتحان دیگری باشد، مثلاً خداوند کسی را با مصیبت فرزند دل‌بندش مورد آزمایش قرار می‌دهد، این آزمایش پای دیگران را هم به میدان امتحان می‌کشد که آیا آنها در مقام همدردی بر می‌آیند و در تخفیف آلام شخص مصیبت زده می‌کوشند یا نه؟

آخرین نکته اینکه: همانگونه که اشاره کردیم امتحانات الهی، جنبه عمومی و همگانی دارد و حتی پیامبران نیز از آن مستثنی نیستند، بلکه آزمایش آنها با توجه به سنگینی مسئولیتشان به درجات سخت‌تر از آزمایش دیگران است.

آیات سوره‌های مختلف قرآن گویای این حقیقت است که هر یک از پیامبران به سهم خود در کوران آزمایشهای شدیدی قرار گرفتند، حتی جمعی از آنان قبل از رسیدن به مقام رسالت، یک دوران طولانی از آزمایشهای مختلف داشتند تا کاملاً ورزیده شوند، و برای رهبری و هدایت خلق آمادگی کامل پیدا کنند.

در میان پیروان مکتب انبیاء نیز نمونه‌های درخشانی از صبر و پایداری در صحنه امتحان دیده می‌شود که هر کدام الگو و اسوهای می‌تواند باشد. زن مسلمان بادیه نشینی بود بنام ام عقیل که دو میهمان بر او وارد

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۳۵

شد، فرزندش همراه شتران در بادیه بود، در همان لحظه به او خبر دادند که شتر خشمگین فرزندش را در چاه انداخته و بدروء حیات گفته، زن با ایمان به کسی که خبر مرگ فرزند را برای او آورده بود گفت از مرکب پیاده شو، و به پذیرائی از مهمانها کمک کن، گوسفندی حاضر داشت به او داد تا آن را ذبح کند و سرانجام غذا آماده شد و به نزد میهمانان گذاشت آنها می‌خوردند و از صبر و استقامت این زن در شگفت بودند، یکی از حاضران می‌گوید: هنگامی که از غذا خوردن فارغ شدیم، زن با ایمان نزد ما آمد و گفت: آیا در میان شما کسی هست که از قرآن به خوبی آگاه باشد، یکی از حاضران گفت: بلی من آگاهم، گفت آیاتی از قرآن بخوان تا در برابر مرگ فرزند مایه تسلی خاطر من گردد، او می‌گوید: من این آیات را برای او خواندم و بشر الصابرين الذين اذا

اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم و
رحمة و اولئك هم المهتدون.

زن خداحافظی کرد سپس رو به قبله ایستاد و چند رکعت نماز گذارد، سپس
عرض کرد اللهم انی فعلت ما امرتنی، فانجز لی ما وعدتنی: خداوندا! من آنچه
را تو دستور داده بودی انجام دادم، و رشته شکیبائی را رها نساختم، تو هم آنچه
را از رحمت و صلوات به من وعده داده‌ای بر من ارزانی دار.

سپس اضافه کرد: اگر بنا بود در این جهان کسی برای کسی بماند ... یکی از
حاضران می‌گوید من فکر کردم می‌خواهد بگوید فرزندم برای من باقی
می‌ماند، اما دیدم چنین ادامه داد پیامبر اسلام محمد (صلی الله علیه و آله و
سلم) برای امتش باقی می‌ماند!

